

بررسی عوامل درون سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان

جمال بیگی^۱، رضا قادری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

از صفحه ۵۹ تا ۸۰

چکیده

هدف این مقاله مشخص کردن عوامل درون سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان توسط کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، و از نظر روش، پیمایشی است. جامعه آماری تمام کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه هستند. تعداد نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۰۸ نفر و با شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. عوامل درون سازمانی به چهار بخش مدیریتی-سازمانی، فرهنگی-اجتماعی، تربیتی-آموزشی و نظارتی-حفاظتی تقسیم، و گویه‌ها بر اساس آنها تنظیم، و با استفاده از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده مشخص شد که عوامل درون سازمانی بر رعایت حقوق شهروندی متهمان تأثیر مستقیم دارد و بین آنها و رعایت حقوق شهروندی متهمان رابطه معناداری برقرار است. عوامل درون سازمانی به ترتیب اولویت از دیدگاه جامعه آماری، نظارتی-حفاظتی، تربیتی-آموزشی، مدیریتی-سازمانی و فرهنگی-اجتماعی رتبه‌بندی شد و در دیدگاه‌ها با توجه به سطح تحصیلات تفاوتی مشاهده نشد؛ اما با افزایش سن کارکنان، پاسخهای آنها به سمت عامل نظارتی-حفاظتی گرایش پیدا کرد. برای رعایت حقوق شهروندی متهمان، باید بر عواملی چون نهادهای نظارتی و نظارت‌های مردمی، عوامل آموزشی و فرهنگی و اجتماعی تمرکز کرد.

واژگان کلیدی

عوامل درون سازمانی، حقوق شهروندی متهم، پلیس و حقوق شهروندی متهمان.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، ایران (نویسنده مسئول).
رایانامه: Jamalbeigi@iau_maragheh.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، ایران.
رایانامه: Rezaghaderi62@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از اهداف غایی هر نظام قضایی، که ارزش بین آن جامعه قلمداد می‌شود، اجرای عدالت قضایی با تمام شئون آن است. مهمترین هدفی که نظام عدالت قضایی در پی حصول به آن است، کشف حقیقت برای اجرای عدالت است (بیگی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶). جرائم علیه عدالت قضایی، دستگاه اجرای عدالت را در رسیدن به این هدف دچار چالش می‌سازد. در این بین هستند متخلفانی که با رفتارهایی مانع اجرای عدالت می‌شوند و روند تحقق عدالت را در نهادهای متولی اجرای عدالت با مشکل رو به رو می‌کنند. به همین منظور هر جامعه‌ای با توجه به ارزشهای حاکم بر آن، درصدد مبارزه با این نوع متخلفان برمی‌آید و کسانی را که مانع اجرای عدالت شده‌اند، تعقیب می‌کند و سرانجام به دست خود دستگاه عدالت، مورد مجازات قرار می‌دهد. به این نوع از رفتارهایی که مانع اجرای عدالت می‌شود، جرائم علیه عدالت قضایی اطلاق می‌شود. تعریفی که در ابتدا می‌توان برای این تأسیس حقوقی ارائه کرد این است: جرائم علیه عدالت قضایی به فعل و یا ترک فعلهایی اختصاص دارد که به‌گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شود (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۸۷). در این بین عدم رعایت حقوق شهروندی متهمان به‌عنوان یکی از جرائم علیه عدالت قضایی در اغلب جوامع شناخته شده است که نقض آنها مخالفت جدی با قانون اساسی، قوانین موضوعه، حقوق بشر و کرامت انسانی به شمار می‌رود. پلیس به عنوان یکی از نهادهایی که مستقیم در جریان دادرسی حضور فعال دارد و با متهمان و مجرمان در تماس است، می‌تواند مرتکب جرائم علیه عدالت قضایی شود که یکی از مصداقهای آن، نقض حقوق شهروندی متهمان است. پلیس سازمانی دولتی و مسئول برقراری نظم و امنیت در جامعه است. کشف جرم توسط پلیس یکی از مصداقهای مهم کارهای پلیسی است که در تأمین نظم عمومی و گاهی امنیت کشور نقش بسزایی دارد. در این مقام پلیس از اختیارات متمایزی برخوردار است که گاهی ممکن است به سلب آزادیهای مشروع شهروندان و یا نقض حقوق آنان منجر شود. حقوق شهروندی آن دسته از حقوقی است که شخص به منظور تابعیت در هر کشور از آن برخوردار می‌شود (مقیمی و نیازخانی، ۱۳۸۹، ص ۹۲). کشف جرم در واقع پایه و اساس دادرسی کیفری است؛ بنابراین باید در شکل‌گیری آن دقت فراوان مبذول شود (آخوندی، ۱۳۸۴، ص ۴۹). بر اساس ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، وظیفه کشف جرم بر عهده دادسرا است که اشعار می‌دارد: به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و هم‌چنین در معیت

دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود. هم‌چنین در ادامه ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری تحت وظایف ضابطان دادگستری، کشف جرم را از وظایف آنها بر شمرده است و بیان می‌کند: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. ضابطان دادگستری، که ما در این مقاله آنها را پلیس می‌نامیم برای حفظ نظم و امنیت، اختیاراتی قانونی و سازمانی دارند؛ اعم از حمل و استفاده از سلاح گرم، دستگیری و سلب آزادی متهمان و بزهکاران برابر قانون و... مسئله‌ای که جای بحث دارد این است که در بعضی مواقع این اختیارات باعث نقض حقوق شهروندی متهمان می‌شود. پلیس به عنوان متولی کشف جرائم و تحقیقات مقدماتی، مستقیم با متهمان پرونده‌ها در تماس است. عوامل متعددی باعث بروز رفتارهایی که ناقض حقوق متهمان از سوی کارکنان نیروی انتظامی دخیل در پرونده‌های قضایی برای کسب اطلاع و گرفتن اقرار می‌شود که می‌توان به انتظار بزه‌دیدگان از پلیس برای کشف سریع جرم، انتظار مقامات قضایی از پلیس برای کشف سریع جرم، انتظار نهادهای اجتماعی و فرهنگی از پلیس برای کشف سریع جرم، بی‌احترامی و اهانت برخی متهمان به پلیس هنگام بازجویی، ترس متهمان از اعلام شکایت علیه پلیس و... موضوعیت داشتن اقرار در قوانین موضوعه اشاره کرد؛ اما از سویی براحتی نمی‌توان گفت که پلیس و کارکنان دخیل در پرونده‌های قضایی، مرتکب نقض حقوق شهروندی متهمان می‌شوند و از سوی دیگر با قاطعیت هم نمی‌توان گفت که در این سازمان برای کسب اطلاع و گرفتن اقرار، تمام حقوق شهروندی متهمان رعایت می‌شود. لازم به توضیح است که مراد نگارندگان این پژوهش، بررسی حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم برای روشن ساختن حقیقت است که می‌تواند از سوی پلیس نقض شود؛ هرگونه رفتار اعم از ضرب و شتم، توهین و اهانت، فشارهای روحی و... به منظور کسب اطلاع و گرفتن اقرار. پژوهش عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که "عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان کدام است؟" عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی در نیروی انتظامی به چهار بخش مدیریتی، سازمانی، فرهنگی، اجتماعی، تربیتی، آموزشی و نظارتی و حفاظتی تقسیم‌بندی، و فرضیات تحقیق بر اساس این عوامل استوار شده است.

۲. پیشینه پژوهش

شیدائیان، اسحاقی و رجایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری وضعی تقنینی از جرم شکنجه» در مجله پژوهش حقوق کیفری بر راهکارهای پیشگیری از شکنجه متمرکز شده‌اند. پژوهشگران این مقاله، حق مصونیت از شکنجه را یکی از حقوق غیرقابل سلب شناخته‌اند که این حق را قانون اساسی در اصل ۳۸ به‌صراحت بیان کرده، و شکنجه را ممنوع اعلام کرده است. تدابیری نظیر افزایش دشواری ارتکاب جرم مانند دسترسی سریع متهم به مقام قضایی، حذف توجیه‌کننده‌ها مانند کاستن از ارزش اثباتی اقرار، کاهش منافع حاصل از جرم مانند بطلان اطلاعات به‌دست‌آمده از راه شکنجه، افزایش خطر ارتکاب جرم مانند حمایت از حضور وکلا در مراحل اولیه دادرسی و نظارت ویدیویی از مرحله بازجویی را از عوامل وضعی برای پیشگیری از بروز جرم شکنجه قلمداد کرده‌اند. بیگی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای پیشگیرانه از نقض حقوق شهروندی در فضای مجازی» به یکی از ابعاد جدید حقوق شهروندی یعنی حقوق شهروندی در فضای مجازی پرداخته است. نگارنده به اقتضانات زندگی عصر جدید، که با فضای مجازی و گسترش روز افزون این فضا همراه شده است، اشاره، و نقض حقوق شهروندی را در این فضا را بررسی می‌کند. نتیجه‌گیری به این ترتیب است که فضای مجازی بر حقوق شهروندی نقش بسزایی دارد و مصداقهای متعددی از نقض این حقوق در این فضا بیان شده است و راهبردهای پیشگیرانه قانونی را از الزامات آن می‌داند. بیگی و مولوی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش نهادهای بین‌المللی در حمایت از قربانیان شکنجه (مطالعه موردی: کردهای عراق)» با استناد به اسناد بین‌المللی به تبیین ممنوعیت شکنجه پرداخته و در ادامه، موضوع پاکسازی قومی کردها را در عراق توسط رژیم بعث به رهبری صدام حسین طرح کرده‌اند و با اشاره به اینکه دولت جدید عراق، کنوانسیون منع شکنجه را مورد پذیرش قرار داده است، عنوان می‌کنند که همچنان گزارشهای متعددی از شکنجه از سراسر عراق منتشر می‌شود. حاجی ده آبادی، احمدی و صمصامی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه» به سیاست کیفری در اسناد بین‌المللی و اسناد داخلی درباره منع شکنجه اشاره می‌کنند و شکنجه را در تمام این اسناد بویژه در سیاست کیفری اسلام ممنوع یافته‌اند. اسکندری و نیک خو (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی قوانین مربوط به حقوق شهروندی و ارائه پیشنهادهای کارآمد با تأکید بر وظایف و اختیارات کارکنان ناجا» به بررسی قوانین موجود اعم از قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به آسیب‌شناسی این مبحث مهم پرداخته‌اند. در انتها این گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که با

توجه به اینکه هرگونه اصلاح قانون، مستلزم شناسایی آسیبهای احتمالی آن است در این تحقیق مقررات مربوط به نقش ضابطان در رعایت حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. ابهام و اجمال مواد قانون، عدم تعیین ضمانت اجرا، جامع نبودن مقررات تصویب شده، عدم تعیین ساز و کار اجرای برخی تکالیف، به کار بردن اصطلاحات و عبارات حشو و زائد، عدم تبیین درست اصلاحات به کار رفته در متن قوانین، پراکنده‌گویی و عدم یکپارچگی برخی تکالیف قانونی از جمله مهمترین اشکالات وارد بر مقررات مربوط به نقش ضابطان در رعایت حقوق شهروندی است. عبدالملکی و زمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «عنصر معنوی جنایت شکنجه با نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» به عنصر معنوی شکنجه پرداخته‌اند. اینان بر اساس اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده ۱۹۸۴ به این نتیجه رسیده‌اند که تعدد در اجرای فعل (سوءنیت عام)، گرفتن اقرار یا اطلاعات و... (سوءنیت خاص) نیز برای تحقق جنایت شکنجه ضروری است بنابراین، این جرم، عمدی و به نتیجه نیز مقید است. پوربافرانی و رحیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی جرم شکنجه در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه» با نگاهی به اسناد بین‌المللی و اسناد داخلی، این جرم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. محققان با تکیه بر اسناد بین‌المللی و داخلی، شکنجه را عملی غیرانسانی و مغایر با کرامت و حیثیت انسان برشمرده‌اند و با نگاهی به مفاهیم در این زمینه، مدعی تفاوت‌هایی در اسناد بین‌المللی با اسناد داخلی در تعریف و مصداق‌های شکنجه از نظر جسمی و روحی شده‌اند و ضمن شناسایی موانع حقوقی الحاق ایران به کنوانسیون منع شکنجه، راهکارهای رفع این موانع را نیز مورد شناسایی قرار داده‌اند. مقیمی و نیازخانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس» با نگاه به قوانین و اسناد موجود به تبیین عملکرد پلیس در زمینه رعایت حقوق شهروندی پرداخته و به اصولی از قبیل خودداری از دستگیری خودسرانه، حق فرض بیگناهی (رعایت اصل برائت)، حق اطلاع از دلایل دستگیری، حق رفتار انسانی با شخص تحت نظر، حق تفهیم اتهام، حق اطلاع خانواده و وکیل، حق مداخله مراجع و مقامات قضایی صالح، مستند و مستدل بودن تمام تصمیمات و اقدامات، عدم مداخله خودسرانه در حریم خصوصی، حق مقاومت در برابر اقدامات غیرقانونی پلیس و... توجه کرده‌اند که جزء مهمترین حقوق شهروندی در مورد شخص تحت تعقیب است؛ در انتها نیز آموزش دقیق اصل برائت و آثار آن و همچنین برگزاری کلاسهای دائمی و زمانبندی شده در زمینه امور حقوقی بویژه حقوق کیفری مرتبط با حقوق شهروندی را به منظور

اجرا در نیروی انتظامی پیشنهاد کرده‌اند. قادری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی رعایت حقوق شهروندی متهمان در کلانتریهای شهر زنجان» با استناد به قوانین داخلی موجود در زمینه حقوق شهروندی متهمان بویژه قانون آیین دادرسی کیفری و قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و همچنین قانون اساسی و قوانین و اسناد بین المللی به تبیین مفهوم حقوق شهروندی و جایگاه پلیس درباره رعایت آن بحث کرده، و در انتها با سنجش میدانی رعایت حقوق متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی شامل احضار، جلب، تحت نظر، دستگیری، بازجویی، تفتیش و بازرسی به این نتیجه رسیده است که حقوق شهروندی متهمان در عوامل احضار، تحت نظری، بازجویی، تفتیش و بازرسی رعایت می‌شود؛ ولی در مرحله دستگیری آن هم با دستگیری مظنونان رعایت نمی‌شود.

با نگاه به پژوهشها به نظر می‌رسد که مقاله‌ها بیشتر توصیفی و تحلیلی و از روی اسناد بین‌المللی و داخلی بوده و کار پیمایشی در منطقه‌ای خاص و آن هم در رابطه با ضابطان دادگستری (پلیس) در زمینه رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی انجام نشده است؛ بنابراین وجه تمایز این پژوهش با دیگر تحقیق‌ها، اجرای پیمایشی و سنجش میدانی رعایت حقوق شهروندی متهمان در نیروی انتظامی شهرستان مراغه است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق مدنی و سیاسی (حق حیات، حق منع شکنجه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات مسالمت آمیز، آزادی احزاب، آزادی حریم خصوصی، آزادی رفت و آمد، آزادی تشکیل خانواده، آزادی عقیده و دین، حق دسترسی به دادرسی منصفانه) و مجموعه‌ای از حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (حق آموزش، حق دسترسی به امکانات بهداشتی، حق غذا، حق آب بهداشتی سالم، دسترسی به امکانات اولیه زندگی، حق مسکن و حق مشارکت در حیات فرهنگی) و مجموعه‌ای از حقوق همبستگی (حق محیط زیست سالم، حق دسترسی به اطلاعات، حق توسعه و...) را شامل می‌شود (براتی، ۱۳۹۶، ص ۹۲). شهروند ترجمه فارسی citizen است و ریشه آن واژه لاتین civitas است. این واژه در زبان لاتین مترادف کلمه polites به معنای شهر است. سابقه این واژه در کشور ما چندان زیاد نیست به گونه‌ای که در فرهنگهای عمومی مثل فرهنگ معین یا فرهنگ عمید یا امثال آنها، کلمه شهروند تعریف نشده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی که معنای واژه شهروند را ارائه کرده، فرهنگ فارسی امروز

است که آن را چنین تعریف می‌کند: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. در حال حاضر نیز در قانون اساسی، که عمده‌ترین و اصلی‌ترین منبع حقوق شهروندی است، حقوق اتباع تحت عنوان حقوق ملت مطرح شده است (مقیمی، نیازخانی: ۱۳۸۹، ص ۹۴). شهروند فردی است که در ارتباط با دولت است و سویی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد. این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی (حقوق فردی و تکالیف خود در برابر دولت) را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. شهروندی در عین حال منزلتی است برای فرد در ارتباط با دولت که از نظر حقوق بین‌المللی نیز محترم شمرده می‌شود. حقوق بین‌المللی از جهت رعایت این رابطه (یعنی مسئولیت دولتها برای مراعات حقوق شهروندان و دولتهای دیگر) الزاماتی را برای دولتها در نظر گرفته است (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۶۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از شهروندان خود اصولی را به آن اختصاص داده که در ابعاد مختلفی این حقوق را به رسمیت شناخته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در زمینه رعایت حقوق متهمان، مواد متعددی را ذیل وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری بر شمرده است. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز به حقوق متهم در جریان تحقیقات مقدماتی اشاره کرده است. اسناد بین‌المللی متعدد اعم از اعلامیه حقوق بشر به موضوع رعایت حقوق متهمان پرداخته است. نگارندگان در این پژوهش، حق رفتار انسانی با متهم در مرحله کشف جرم برای کسب اطلاع و گرفتن اقرار را مورد بررسی قرار داده‌اند که در جریان دادرسی و تحقیقات مقدماتی، توسط پلیس باید رعایت شود. پلیس به منظور کسب اطلاع و گرفتن اقرار به هیچ رفتار غیر انسانی، اعم از ضرب و شتم، توهین و اهانت، فشارهای روحی و روانی به شخص متهم مجاز نیست. در این راستا اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی به این موضوع اختصاص یافته است که اشعار می‌دارد: اصل ۳۸: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود. اصل ۳۹: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است. قانون اساسی رعایت حقوق شهروندی اعم از ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع، ممنوعیت هتک حیثیت افراد را به رسمیت شناخته است. ممنوعیت شکنجه و رعایت رفتارهای انسانی با متهمان یکی از جلوه‌های رعایت حقوق شهروندی متهمان است. شکنجه، که یکی از ابزارهای مورد استفاده حکومت‌های خودکامه

و استبدادی است از دیرباز وجود داشته و در پی آن، احساسات همه افراد بشر را در هر کجا که بوده اند، جریحه‌دار می‌کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰). علاوه بر آن، شکنجه شدیداً مورد نهی شارع نیز قرار گرفته است و روایات فراوانی درباره منع از شکنجه و ایراد ضرب وجود دارد. در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که اگر فردی، دیگری را تنها با یک ضربه تازیانه بزند، خداوند با تازیانه ای آتشین او را خواهد زد (منتظری، ۱۴۰۸، ص ۳۷۷). شکنجه به‌عنوان ایراد آزار به متهمان، شهود و مطلعان به منظور کسب اطلاعات و یا روشی خشونت‌آمیز در مجازات مجرمان، سابقه‌ای طولانی دارد (حاجی ده آبادی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۸). اگرچه امروزه با ظهور حقوق بشر و شناخت کرامت ذاتی برای انسان بویژه در فلسفه کانتی به طور اجماعی مورد تقبیح جامعه جهانی قرار گرفته است در زمانی نه‌چندان دور، حدود سه قرن پیش این عمل نه‌تنها ناشایست نبود بلکه قانونی تلقی می‌شد (یکرنگی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰). فرهنگ دهخدا شکنجه را این‌گونه تعریف کرده است: شکنجه در اصل به مفهوم شکستن، پیچیدن و عذاب دادن دزد و گناهکار بوده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۴۴۱). هم‌چنین فرهنگ معین، شکنجه را هرگونه رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذا معنی کرده است (معین، ۱۳۶۴، ص ۲۰۶۶). شکنجه از جرائمی است که از طرفی به دلیل ارتباط آن با عاملان دولتی و مأموران رسمی و از سوی دیگر، هتک حرمت و حقوق انسانی بویژه در حقوق داخلی و بین‌المللی از اهمیت و حساسیت قابل‌توجهی برخوردار است (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). قوانین ایران نیز به صراحت شکنجه را منع کرده‌اند؛ از جمله، قانون اساسی به عنوان سند بالادستی در اصل ۳۸، که مهمترین منبع حقوق ایران در زمینه منع شکنجه است، اشعار می‌دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. قوانین عادی نیز متعرض شکنجه شده و منع آن را تصریح کرده است. در مقررات فعلی ایران و مجموعه قانون مجازات اسلامی، صریحترین ماده ناظر به شکنجه، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) است. این ماده بیان می‌کند: هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را به اقرار مجبور کند او را اذیت و آزار بدنی کند، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت. هم‌چنین قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ در ماده ۹ به موضوع

شکنجه پرداخته و اشعار می‌دارد: هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. سند امنیت قضایی، که در سال ۱۳۹۹ از سوی رئیس قوه قضاییه ابلاغ گردیده است در ماده ۲۰ خود چنین بیان می‌کند: مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان به هیچ وجه نباید در معرض رفتارهای غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرند. هرگونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص مذکور از هر نوع و هم‌چنین هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خود فرد یا خانواده و نزدیکان اشخاص فوق در هر شرایطی مطلقاً ممنوع است و نتایج آن نیز قابل استناد در مراجع قضایی نیست. رفتارهای مذکور نسبت به افراد محکوم به حبس یا زندانی یا تبعید شده فراتر از حکم قضایی صادر شده، ممنوع و موجب مجازات است. اسناد بین‌المللی نیز در قوانین خود نسبت به منع شکنجه اذعان می‌کنند. از این میان اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز در ماده ۵ به صراحت بیان می‌کند: هیچ کس نباید تحت شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده قرار گیرد. بر همین اساس در دانش حقوق، شکنجه نوعی آزار و اذیت غیرقانونی به شمار می‌آید که بیشتر هدف آن کسب اقرار است. یکی از دقیقترین تعریفهای شکنجه به کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل مصوب ۱۹۸۴ مربوط است (بیگی، ۱۳۹۶، ص ۲). طبق صدر ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل مصوب ۱۹۸۴، شکنجه معرف هرگونه عملی است که به واسطه آن رنج یا مرارتهای شدید، اعم از جسمی یا روانی بر شخص وارد کنند. این رنج و مرارت بویژه به این منظور است که از او یا شخص ثالث، اطلاعات یا اقرارهایی بگیرند تا بتوانند آن شخص و یا ثالث را به واسطه عملی که انجام داده و یا مظنون به ارتکاب آن است، مجازات کنند یا او را بترسانند یا تحت فشار قرار دهند و یا شخص ثالثی را بترسانند و فشار بر او وارد کنند (نوربها، ۱۳۶۸، ص ۱۹۸). بر همین اساس می‌توان بیان کرد که شکنجه در قوانین بین‌المللی و داخلی و نیز شرع مورد نکوهش قرار گرفته است و به هر نوع که باشد، ممنوع اعلام شده است و متولیان قضایی و انتظامی به هیچ نوع برای کسب اطلاع و گرفتن اقرار، حق شکنجه مظنونان، متهمان، مجرمان، شهود و مطلعان را ندارند و در صورت ارتکاب شکنجه، مستوجب مجازات پیش‌بینی شده در قوانین هستند. پلیس یا قوای انتظامی یا ضابطان، که از نهادهای متولی تحقیقات مقدماتی هستند، در معرض ارتکاب شکنجه قرار دارند.

۳-۲. ضابط دادگستری

ضابطان در لغت به معنی مباشر، عامل، نگاهدارنده، حفظ کننده، حاکم و نیرومند و قوی در اداره کشور آمده است (انوری، ۱۳۷۸، ص ۴۸۰) و در اصطلاح حقوقی قضایی مأمورانی هستند که تحت نظارت و آموزشهای دادستان یا دیگر مقامهای قضایی اقدام می‌کنند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان را این گونه تعریف کرده است: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. در این پژوهش منظور از ضابط همان پلیس است. با درک معنی و مفهوم دقیق پلیس، معلوم می‌شود که نیروهای پلیس باید بر مدار قانون حرکت، و از هرگونه رفتاری پرهیز کنند که با قانون مغایر است. بر همین اساس یکی از نهادهایی که با شکل گرفتن اجتماعات و تولد جوامع شهری، وجود آن ضرورت می‌یابد، نهاد پلیس است (مهدی زاده و خسروی سلیم، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸). مأموریت اصلی پلیس، حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه است که یکی از نیازهای اصلی هر جامعه است. از سویی در جامعه افرادی هستند که با اعمال ناهنجار خود نظم و امنیت عمومی جامعه را بر هم می‌زنند؛ بنابراین پلیس برای برقراری نظم و امنیت یکی از ملزومات جامعه به منظور ادامه حیات خود است. می‌توان برای پلیس دو معنا قرار داد: عام و خاص که معنای عام پلیس عموماً به مأمورانی اطلاق می‌شود که صلاحیت وضع مقررات انتظامی و یا صدور دستورهای لازم‌الاجرا با آنهاست؛ به عبارت دیگر حق تصمیم‌گیری دارند؛ اما معنای خاص پلیس به عملکرد مأمورانی ناظر است که مجری مقررات و یا دستور انتظامی‌ای هستند که از سوی مقامات پلیس صادر شده است؛ برای مثال شهردار، فرماندار، استاندار و وزیر کشور، پلیس در مفهوم عام (مقامات پلیس) هستند و مأموران انتظامی (زاندارمها و پاسبانها و کلانتران، بازرسان اداره آگاهی و دیگر ادارات) پلیس در مفهوم خاص (مأموران پلیس) به شمار می‌روند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). ناگفته پیداست که منظور ما از به کار بردن واژه پلیس در این پژوهش، مأموران پلیس (پلیس در مفهوم خاص) یعنی مأموران مجری قانون هستند؛ با این اوصاف، منظور از پلیس، مأمورانی هستند که مأموریت برقراری، حفظ و ارتقای نظم و امنیت را در سطح کشور بر عهده دارند. مطابق بند الف و ب شرح ماده ۱ نظامنامه رفتاری مأموران اجرای قانون، طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحده مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، تعبیر مأموران اجرای قانون، شامل تمامی مأموران قانون است؛ خواه منتخب یا منصوب که اختیارات پلیس، بویژه قدرت دستگیری و بازداشت را

اعمال می‌کنند. در کشورهایی که اختیارات پلیس به‌وسیله نیروهای نظامی، چه با یونیفرم یا بدون یونیفرم یا توسط نیروهای امنیتی دولت اعمال می‌شود، تعریف مأموران اجرای قانون شامل این قبیل اشخاص نیز می‌شود.

۳-۳. متهم

متهم در لغت از ریشه وهم به معنی گمان و خیال آمده و جمع آن اوهام است (بندریگی، ۱۳۷۹، ص ۶۹۵). در اصطلاح حقوقی، متهم کسی است که تهمت متوجه اوست و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده است و اگر هم شروع شده باشد با رأی لازم‌الاجرا پایان نیافته است و در مقابل مجرم استفاده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۶۱۴). متهم پرونده‌های قضایی، کسانی هستند که در فرایند دادرسی از سوی پلیس برای کسب اطلاع و اقرار، مورد شکنجه قرار می‌گیرند. فرهنگ لغت دهخدا متهم را این‌گونه تعریف کرده است: بدنام شده و تهمت‌زده شده، تهمت آلود، تهمت آلوده، مظنون. کسی که مورد تهمت قرار گرفته باشد^۱. فرهنگ امید نیز تعریفی مشابه را ارائه کرده است: کسی که به او تهمت‌زده شده؛ کسی که کار بدی به او نسبت داده شده است.^۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، تعریفی از متهم ارائه نکرده است؛ ولی در ماده یک خود اشعار می‌دارد: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود. استفاده از کلمه متهم برای فرد تحت تعقیب در این ماده، اقدام شایسته و آگاهانه‌ای است که توسط قانونگذار صورت گرفته است تا از مجرم نامیدن وی قبل از صدور حکم قطعی خودداری شود؛ زیرا اطلاق عنوان مجرم به کسی که در فرایند تعقیب کیفری در پناه اصل برائت قرار دارد و تا اثبات مجرمیت وی در دادگاه، بیگناه فرض می‌شود، پسندیده نیست؛ به دیگر سخن در زمینه تعقیب، ما با فردی که به ارتکاب جرمی متهم است، یعنی شخصی که ادعا شده جرمی را مرتکب شده است، رو به رو هستیم و روند رسیدگی‌های قضایی نیز برای بررسی این ادعا و احراز مجرمیت یا اعلام بیگناهی او به موجب حکم قطعی دادگاه صورت می‌گیرد (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۲۳)؛ به عبارت دیگر متهم کسی است که جرمی به او نسبت داده شده و فرایند اثبات این انتساب در حال رسیدگی در مراجع قضایی است بدون اینکه هنوز درباره مجرم بودن یا بیگناهی او حکمی

1. <https://icps.ut.ac.ir>

2. <http://www.vajehyab.com>

صادر شده باشد. در نظام حقوقی کشور ایران، دیدگاه ممنوعیت مطلق شکنجه در اصل ۳۸ قانون اساسی گنجانده شده و با توجه به مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی در جلسه تصویب این اصل^۱ با امعان نظر در قوانین موجود، شکنجه با هیچ توجیهی حتی حفظ امنیت مجاز دانسته نشده است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب ممنوعیت شکنجه اشعار می‌دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود. مجازات کسانی که به چنین اقداماتی دست می‌زنند در قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ در ماده ۵۷۸ بدون تعریف دقیقی از شکنجه این‌گونه تعیین شده است: هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت. معلوم می‌شود که در قوانین جمهوری اسلامی ایران، ایراد شکنجه، چه از سوی مأموران قضایی و غیر قضایی منع شده و برای مرتکبان این جرم، مجازات در نظر گرفته شده است. از دیگر قوانینی که به صراحت ممنوع بودن شکنجه را مورد تأکید قرار داده است، قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ است. بند ۹ این ماده واحده اشعار می‌دارد: هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. ادیان الهی و برخی از فیلسوفان و اندیشمندان از قدیم با شکنجه به مخالفت برخاستند؛ ولی توسل به شکنجه همچنان ادامه داشت. بتدریج توجه بیشتر به حقوق بشر و ایجاد نهادهای بین‌المللی سبب شد تا ممنوعیت شکنجه به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته، و بدین ترتیب منع شکنجه با تدابیر مؤثر و یکسانی رو به رو شود. کنوانسیونهای بین‌المللی با پیش‌بینی این عمل به عنوان جرم بزرگ و نابخشودنی در پیشگیری از آن سعی کردند. در راستای رسیدن به این هدف، نهادهای بین‌المللی خاصی در جهت شناسایی موارد شکنجه و مقابله با آن به وجود آمده است. برخی از این نهادها به طور اختصاصی شکنجه را مدنظر قرار داده، و برخی دیگر ضمن حمایت از کلیت حقوق بشر به شکنجه به عنوان جرم علیه بشریت نگریسته و درصدد مقابله با آن برآمده‌اند (حاجی ده آبی، ۱۳۹۴، ص ۸). اسناد سازمان

۱. نک: صورت مشروح مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ص ۷-۷۷۷

ملل متحد به‌عنوان اسناد بین‌المللی در سطح جهان مورد قبول کشورهای عضو است. بین این اسناد، قراردادهای و میثاقهای متعددی به ممنوعیت شکنجه پرداخته است؛ از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی منع شکنجه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ است. شایان ذکر است این اسناد بین‌المللی تعریفی دقیق از شکنجه ارائه نکرده، و فقط مصداقهای ممنوعیت شکنجه را بیان کرده‌اند. در مقابل این اسناد، اسناد دیگری است؛ از قبیل اعلامیه حمایت از همه اشخاص در برابر شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ که به‌صورت موردی شکنجه را تعریف کرده است. ماده یک این کنوانسیون شکنجه را این‌گونه تعریف می‌کند: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به‌عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب‌مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ماده ۷ تعریفی برای شکنجه به این شرح ارائه کرده است: ایراد عمدی درد یا رنج شدیدی جسمی یا روحی بر شخص در توقیف یا تحت کنترل، الا اینکه شکنجه شامل درد یا رنجی نمی‌شود که صرفاً ناشی از مجازات قانونی که ذاتی و یا لازمه آن است در حالی که اعلامیه‌ها و معاهدات جهانی رسمی، ممنوعیت و غیرقانونی بودن شکنجه و سوء رفتار را کاملاً تضمین کرده‌اند در بسیاری از کشورها، واقعیت چیز دیگری است. گزارشهای مربوط به شکنجه و بدرفتاری در مراکز بازداشت، بسیار زیاد و وحشتناک است (یک‌رنگی، ۱۳۸۷: ۲۱۰)؛ بنابراین با اینکه اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی به ممنوعیت شکنجه تصریح، و مجازات‌هایی برای مرتکبان شکنجه تعیین کرده‌اند با قاطعیت نمی‌توان گفت که شکنجه به طور کلی از بین رفته است. در این بین هر چند تحقیقات متعددی درباره جرائم علیه عدالت قضایی و بویژه شکنجه به عنوان یکی از این جرائم به عمل آمده است با توجه به اهمیت و حساسیت شکنجه از نظر اسناد بین‌المللی و قوانین متعدد داخلی از جمله قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ قانون رعایت حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۸ و آیین دادرسی کیفری، فاقد سابقه کار تحقیقی به صورت میدانی در زمینه عوامل و تدابیر کاهنده در جغرافیای خاص هستیم و این پژوهش نیز در

راستای همین خلأ پژوهشی انجام شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند به فرماندهان و مدیران ارشد ناجا در تصمیم‌گیری کمک کند تا خلأها را برطرف، و راه‌های پیشگیری از ارتکاب شکنجه را در مسیر اجرای عدالت شناسایی و عملیاتی کنند. عوامل اساسی، که ما در این پژوهش مدنظر قرار داده‌ایم به ترتیب الف) مدیریتی- سازمانی ب) فرهنگی- اجتماعی ج) تربیتی - آموزشی، نظارتی- حفاظتی است که برای هرکدام از این عوامل گویه‌های متعددی در نظر گرفته شده است.

۴. روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر نوع کاربردی، و از نظر روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۱۵۰ نفر از مأموران فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه (شامل کارکنان آگاهی، مواد مخدر، پاوا و پلیس پیشگیری) هستند. تعداد نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۰۸ نفر و با شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با استاندارد طیف لیکرت ۵ درجه‌ای صورت گرفت. قبل از توزیع پرسشنامه، اعتبار و روایی آن با استفاده از دیدگاه استادان و کارشناسان حوزه تحقیق از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن در پایان تحقیق از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در سطح ۰/۸۵ مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. این نتیجه مشخص می‌کند که تحقیق از اعتبار مناسبی برخوردار است؛ بنابراین برای تجزیه تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد فراوانی و آمار استنباطی مانند آزمون تحلیل T تک نمونه‌ای مستقل و معنادار بودن استفاده شده و چون سؤالات دارای طیف لیکرت بوده، حد متوسط سه میانگین در نظر گرفته شده است.

جدول (۱): ضریب پایایی عوامل پژوهش

متغیر	تعداد سؤال	ضریب آلفا
مدیریتی - سازمانی	۱۰	۰/۸۳
فرهنگی-اجتماعی	۵	۰/۷۹
تربیتی - آموزشی	۵	۰/۸۱
نظارتی- حفاظتی	۴	۰/۸۰

۵. یافته‌های پژوهش

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد آزمودنیها بر حسب میزان تحصیلات

درصد	فراوانی	تحصیلات - شاخص آماری
۱۴/۸	۱۶	دیپلم
۲۱/۳	۲۳	کاردانی
۵۴/۶	۵۹	کارشناسی
۹/۳	۱۰	ارشد و بالاتر
۱۰۰	۱۰۸	کل

داده‌های جدول نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از نمونه مورد مطالعه، ۱۴/۸ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۲۱/۳ درصد کاردانی، ۵۴/۶ درصد کارشناسی و ۹/۳ درصد دارای مدرک تحصیلی ارشد و بالاتر هستند.

جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد آزمودنیها بر حسب رده سنی

درصد	فراوانی	رده سنی - شاخص آماری
۱۵/۷	۱۷	۱۸ تا ۲۸ سال
۴۱/۷	۴۵	۲۹ تا ۳۹ سال
۴۲/۶	۴۶	۴۰ تا ۵۰ سال
۱۰۰	۱۰۸	کل

داده‌های جدول نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از کارکنان مورد مطالعه، ۱۵/۷ درصد در رده سنی ۱۸ تا ۲۸، ۴۱/۷ درصد در رده سنی ۲۹ تا ۳۹، ۴۲/۶ درصد در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ قرار دارند.

جدول (۴): توزیع فراوانی و درصد آزمودنیها برحسب سالهای خدمتی

سالهای خدمتی - شاخص آماری	فراوانی	درصد
۱ تا ۱۰ سال	۲۷	۲۵
۱۱ تا ۲۰ سال	۴۴	۴۰/۷
۲۱ تا ۳۰ سال	۳۶	۳۴/۳
کل	۱۰۸	۱۰۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از کارکنان مورد مطالعه، ۲۵ درصد در سن خدمتی ۱ تا ۱۰، ۴۰/۷ درصد در سن خدمتی ۱۱ تا ۲۰، ۳۴/۳ درصد در سن خدمتی ۲۱ تا ۳۰ قرار دارند.

جدول (۵): میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار
مدیریتی - سازمانی	۳۲	۴۶	۴۱/۵۶	۳/۳۵
فرهنگی - اجتماعی	۶	۲۵	۱۶/۹۹	۳/۷۵
تربیتی - آموزشی	۱۳	۲۵	۲۰/۷۷	۲/۶۰
نظارتی - حفاظتی	۹	۲۰	۱۷/۵۱	۲/۰۸

در این مرحله تأثیر هر یک از عوامل ذکر شده در رعایت حقوق شهروندی متهمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار از آمار استنباطی و آزمونهای T مستقل تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است.

فرضیه اول: عوامل مدیریتی - سازمانی در رعایت حقوق شهروندی متهمان مؤثر است.

جدول (۶): آزمون T مستقل عوامل مدیریتی - سازمانی

عامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره T	sig
				حد پایین	حد بالا		
مدیریتی - سازمانی	۱۰۸	۴۱/۵۶	۰/۳۳۵	۱/۰۹	۱/۲۲	۳۵/۷	۰/۰۰

چون سطح معنی‌داری عوامل مدیریتی - سازمانی $\text{sig} = ۰/۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است، میانگین این عامل از حد متوسط بیشتر است.

فرضیه دوم: عوامل فرهنگی- اجتماعی در رعایت حقوق شهروندی متهمان مؤثر است.

جدول (۷): آزمون T مستقل عوامل فرهنگی- اجتماعی

عامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره T	sig
				حد بالا	حد پایین		
فرهنگی-اجتماعی	۱۰۸	۳/۳۹۸	۰/۷۵۱	۰/۲۵۴	۰/۵۴۱	۵/۵	۰/۰۰

چون سطح معنی داری عوامل فرهنگی- اجتماعی $\text{sig} = ۰/۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است، میانگین این عامل از حد متوسط بیشتر است.

فرضیه سوم: عوامل تربیتی- آموزشی در رعایت حقوق شهروندی متهمان مؤثر است.

جدول (۸): آزمون T مستقل عوامل تربیتی- آموزشی

عامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره T	sig
				حد بالا	حد پایین		
تربیتی- آموزشی	۱۰۸	۴/۱۵۵	۰/۵۲۱	۱/۰۵	۱/۲۵	۲۳/۰۴	۰/۰۰

چون سطح معنی داری عوامل تربیتی- آموزشی $\text{sig} = ۰/۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است، میانگین این عامل از حد متوسط بیشتر است.

فرضیه چهارم: عوامل نظارتی- حفاظتی در رعایت حقوق شهروندی متهمان مؤثر است.

جدول (۹): آزمون T مستقل عوامل نظارتی- حفاظتی

عامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره T	sig
				حد بالا	حد پایین		
نظارتی- حفاظتی	۱۰۸	۴/۳۷	۰/۵۵۲	۱/۲۸	۱/۴۷	۲۷/۴۵	۰/۰۰

چون سطح معنی داری عوامل نظارتی- حفاظتی $\text{sig} = ۰/۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است، میانگین این عامل از حد متوسط بیشتر است.

برای مقایسه اهمیت تأثیر هر یک از عوامل مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی، تربیتی - آموزشی و نظارتی - حفاظتی در رعایت حقوق شهروندی متهمان و رتبه بندی آنها از آزمون فریدمن استفاده شد. خروجی به صورت زیر است:

جدول (۱۰): رتبه بندی عوامل سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان

عوامل	میانگین رتبه‌ها	میان رتبه‌ها	سطح معنی داری (sig)
مدیریتی - سازمانی	۲/۶۳	۴/۲	۰/۰۰
فرهنگی - اجتماعی	۱/۴۱	۳/۴	
تربیتی - آموزشی	۲/۶۴	۴/۲	
نظارتی - حفاظتی	۳/۳۲	۴/۵	

چون سطح معنی داری $\text{sig} = ۰/۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است، این عوامل تأثیر و رتبه یکسانی در رعایت حقوق شهروندی متهمان ندارد. با توجه به میانگین و میان رتبه هر یک از این عوامل، می توان این گونه استنباط کرد که به ترتیب میانگین و میان رتبه عوامل نظارتی - حفاظتی، تربیتی - آموزشی، مدیریتی - سازمانی و فرهنگی - اجتماعی بیشترین تأثیر را در رعایت حقوق شهروندی متهمان دارد.

۶. نتیجه گیری

نتایج تحلیل فرضیه های پژوهش نشان داد که میانگین عوامل نظارتی - حفاظتی، تربیتی - آموزشی، مدیریتی - سازمانی و فرهنگی - اجتماعی از دیدگاه ۱۰۸ نفر از کارکنان به عنوان نمونه آماری در زمینه رعایت حقوق شهروندی متهمان در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه از حد متوسط بیشتر است، و رابطه معناداری بین این عوامل و رعایت حقوق شهروندی متهمان برقرار است. از میان عوامل مورد بحث، عامل نظارتی - حفاظتی با میانگین $۴/۳۷$ در آزمون T تک نمونه ای مستقل با میانگین $۳/۳۲$ در رتبه ها در اولویت دیدگاه جامعه آماری قرار داشت که با دقت در گویه های آن می توان به نظارت های ستادی نهادهای نظارتی در نیروی انتظامی شهرستان مراغه اشاره کرد. یکی دیگر از نظارت های نیروی انتظامی، که از اهمیت بسزایی نیز در رعایت حقوق شهروندی متهمان برخوردار است، نظارت مستقیم مردم تحت سامانه ۱۹۷ است. کارکنان نیروی انتظامی همیشه در معرض نظارت مردم قرار دارند و هرگونه تخلف و جرم از دید مردم پنهان نیست. مردم با تماس با شماره تلفن ۱۹۷ می توانند این جرائم و تخلفات را گزارش، و تا دستیابی

به نتیجه پیگیری کنند. از گویه‌های مهم در عامل نظارتی - حفاظتی واپایش خدمتی کارکنان به صورت مستمر تا آخرین روز خدمتی توسط نهادهای نظارتی است تا با هرگونه تخلف و جرائم و حتی بدرفتاری کارکنان با شهروندان برخورد شود. شایسته‌گزینی فرماندهان، رؤسا و مدیران نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح بر این مورد تأکید ویژه می‌کند و رفتار فرماندهان در رفتار زیرمجموعه اثرگذار است؛ بنابراین با انتخاب شایسته آنان به عنوان مسئول یگانها می‌توان از بروز تخلفها در نیروی انتظامی تا حد زیادی کاست. دومین اولویت انتخاب عامل کارکنان تربیتی - آموزشی با میانگین ۴/۱۵۵ در آزمون T تک نمونه‌ای مستقل با میانگین ۲/۶۴ در رتبه‌ها است. در این عامل گویه‌های آموزشی اعم از برگزاری دوره‌های تعالی و استانداردسازی رفتار کارکنان، کلاسهای آگاهسازی نظارتی - حفاظتی، کلاسهای اخلاق کاربردی - اسلامی قرار دارد که به صورت دوره‌ای برای کارکنان بویژه فرماندهان، رؤسا و مدیران برگزار می‌شود. محتوای این دوره‌ها نیز درباره چگونگی برخورد با شهروندان، مراجعه‌کنندگان و متهمان است. این دوره‌ها هفتگی، ماهانه و سالانه برگزار می‌شود. عامل سازمانی - مدیریتی به عنوان یکی از بنیانیترین عوامل در سازمان نیروی انتظامی با میانگین ۴/۱۵۶ در آزمون T تک نمونه‌ای مستقل و با میانگین ۲/۶۳ در ردیف اولویت سوم کارکنان قرار دارد. اهمیت مبانی سازمان و مدیریت صحیح برای بهره‌وری و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بر کسی پوشیده نیست. نیروی انتظامی به عنوان نهاد انتظامی - امنیتی نیازمند است که از سازمانی منسجم با مدیریت قوی برخوردار باشد تا بتواند به رسالت اصلی خود عمل کند که حفظ نظم و امنیت و آرامش است. در این عامل گویه‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته که تخصصی شدن سازمان و استفاده از ابزارهای فناورانه با بیشترین فراوانی بین تمام گویه‌های پرسشنامه با میانگین ۷۸ است. کارکنان بر این باورند که هر چه قدر سازمان، علمی شود و از ابزارهای علمی و تخصصی برای کشف جرم بهره گیرد از رفتارهای بیمورد برای کسب اطلاع پرهیز می‌شود. بر همین اساس نیروی انتظامی در این زمینه اقدامهای ارزنده‌ای را انجام داده است ولی با نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد. عامل فرهنگی - اجتماعی با میانگین ۳/۳۹۸ در آزمون T تک نمونه‌ای مستقل و با میانگین ۱/۴۱ در ردیف آخر از اولویتهای چهارگانه قرار دارد. از گویه‌های خیلی مهم و تأثیرگذار در این عامل احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در ناجا با تشکیل شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر و کارگروه‌های اجرایی این برنامه در سطح استانها و کمیته‌های اجرایی در شهرستانها است. هدف اصلی این برنامه احیای تذکر زبانی در بین تمام کارکنان نیروی انتظامی است. پایش اثر این برنامه در نیروی انتظامی نیازمند پژوهشی جداگانه است. از دیگر برنامه‌های با

اولویت زیاد در نهادهای فرهنگی - اجتماعی درون نیروی انتظامی، تحقق فرمانهای مقام معظم رهبری در برنامه‌های متعدد از جمله رعایت حقوق شهروندی و حقوق متهمان است که ماهانه مورد پایش قرار می‌گیرد. به باور کارکنان، نظارت مستمر بر این برنامه می‌تواند باعث رعایت حقوق شهروندی متهمان در نیروی انتظامی شهرستان مراغه شود. با دقت در پاسخ کارکنان به گویه‌های پرسشنامه و نتایج آن، معلوم می‌گردد که مفهومی‌های چهارگانه مورد بحث در رعایت حقوق شهروندی متهمان در نیروی انتظامی شهرستان مراغه نقش معنی‌داری دارد. با امعان نظر در پژوهشها در این زمینه، که در پیشینه پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان بیان کرد که نتایج این مقاله با نتایج آنها همسویی دارد. عوامل درون سازمانی مؤثر در رعایت حقوق شهروندی متهمان در حوزه فرماندهی نیروی انتظامی شهرستان مراغه مانند عوامل نظارتی و قضایی باعث افزایش خطر ارتکاب و افزایش دشواری این جرم می‌گردد و عوامل تربیتی و آموزشی که به آگاه‌سازی کارکنان در حوزه قوانین منجر می‌شود، باعث کاهش ارزش بار اثباتی اقرار نزد ضابطان دادگستری و بطلان اطلاعات به دست آمده از طریق رفتارهای بیمورد می‌شود.

۷. پیشنهادهای کاربردی

- تشدید راه‌های نظارتی و بازرسی برای رعایت حقوق شهروندی متهمان
- آموزشهای لازم به کارکنان درباره پیامد نقض حقوق شهروندی متهمان
- اهتمام مدیران سازمان نسبت به برطرف کردن مشکلات مادی و معیشتی کارکنان
- بررسی ویژگیهای جمعیت شناختی و روانشناختی کارکنانی که مرتکب نقض حقوق شهروندی متهمان شده‌اند.
- نیازسنجی راهکارهای قانونی جلوگیری از نقض حقوق شهروندی متهمان

۸. سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از فرمانده محترم شهرستان مراغه، رئیس محترم حفاظت اطلاعات و رئیس محترم عقیدتی سیاسی که در راستای تبیین مقاله ما را راهنمایی و هدایت فرمودند تشکر و قدردانی نمائیم.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، «آیین دادرسی کیفری»، ج چهارم، چ دوم، انتشارات مجد
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۰)، «شکنجه»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، ص ۲۱۵-۱۷۹
- آشوری، داریوش (۱۳۸۰)، «دانشنامه سیاسی»، چ چهاردهم، انتشارات ققنوس، ص ۶۳
- براتی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی حقوق شهروندی از دیدگاه نیروی انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی البرز، س پنجم، ش چهاردهم، بهار، ص ۹۱-۱۱۷
- بندریگی، محمد (۱۳۷۹)، «منجد الطلاب»، ج ۳، نشر ایران، تهران، ص ۶۹۵
- بیگی، جمال (۱۳۹۸)، «نگاهی به جرم کتمان حقیقت و لزوم جرم انگاری آن به مثابه جرم علیه عدالت قضایی»، مجموعه مقاله‌هایی در نکوداشت دکتر ایرج گلدوزیان، ص ۱۱۶-۱۲۷.
- بیگی، جمال و مولوی، مهران (۱۳۹۶)، «نقش نهادهای بین‌المللی در حمایت از قربانیان شکنجه (مطالعه موردی: کردهای عراق)»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره سوم، ش چهارم، زمستان، ص ۲۲-۳۲.
- بیگی، جمال (۱۳۹۷)، «راهبردهای پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در فضای مجازی»، فصلنامه تخصصی حقوق علم و وکالت، س اول، ش اول، ص ۳۹-۵۷
- جعفری لنگرودی (۱۳۸۴)، «ترمینولوژی حقوق»، تهران، گنج دانش، ص ۶۱۴
- حاجی ده آبادی، احمد، احمدی، ابراهیم و صمصامی، جلال‌الدین (۱۳۹۴)، «تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه». مجله حقوقی دادگستری، س هفتاد و نهم، ش ۹۰، تابستان، ص ۱۸-۳۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه دهخدا»، ج ۹، ویرایش دوم از دوره جدید، انتشارات دانشگاه تهران.
- سادات اسدی، لیلیا (۱۳۸۴)، «بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق لبنان و ایران»، مجله ندای صادق، ش ۳۷، ص ۲۵-۳۷.
- صادقی، محمد هادی (۱۳۸۱)، «جرم شکنجه در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، ش اول، زمستان، ص ۱۳۱-۱۴۹.

- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۴)، «حقوق اداری»، انتشارات سمت.
- کلانتری، کیومرث و جعفریان سوتیه، سید حسن (۱۳۹۶)، «جرم انگاری حداکثری ناظر بر کنشگران علیه عدالت قضایی (چشم‌اندازی مقارن به نظامهای حقوقی مختلف)»، مجموعه مقاله‌هایی در نکوداشت دکتر ایرج گلدوزیان، ص ۱۵۸-۱۶۸.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، «جرائم علیه عدالت قضایی»، تهران، نشر میزان، پاییز
- معین، محمد (۱۳۶۴)، «فرهنگ فارسی»، ج ۲، ویرایش سوم، انتشارات امیرکبیر.
- مقیمی، مهدی و نیاززانی، مرتضی (۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس»، فصلنامه کارآگاه، س چهارم، دوره دوم، زمستان، ص ۹۲-۱۲۴
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸)، «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه»، ج دوم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، دارالفکر، قم، ص ۳۷۵-۳۷۸
- مهدی‌زاده، حسین و خسروی سلیم، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «اختیارات پلیس و حقوق مظنون در حقوق ایران، امریکا و فرانسه»، فصلنامه مطالعات حقوقی-انتظامی، س اول، ش دوم پاییز، ص ۱۱۷-۱۴۴
- نوربها، رضا (۱۳۶۸)، «شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد»، مجله حقوق کانون وکلا، پاییز، ص ۱۸۹-۲۱۴
- یکرنگی، محمد (۱۳۸۷)، «تسامح صفر در برابر شکنجه»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، س سوم، ش نهم، زمستان، ص ۲۱۰-۲۲۱.
- یکرنگی، محمد (۱۳۹۶)، «جرائم علیه عدالت قضایی»، انتشارات خرسندی، ۱۷۰